

تحفه مظفریه

تحفه‌المظفریه

نسخه‌ای به جا مانده از واپسین سال‌های دودمان قاجار

• سیده طیبه حسینی

دانشجوی تاریخ دانشگاه آزاد واحد شاهرود

گشایش

نسخه‌های خطی میراث گرانبقدر و ارزشمند نیاکان ماست که در گذر زمان قبل و بعد از اسلام سرنوشت غمباری داشته است، حملات خارجی نبرد مدعیان قدرت داخلی، تعصبات مذهبی، عوامل طبیعی و جوی هزاران هزار نسخه خطی را از بین برده است به گونه‌ای که از آن‌ها جز نام و در بعضی موارد حتی نام نیز باقی نمانده است. نسخ خطی کارنامه دانشمندان، نوابغ و حاصل رنج طولانی آن‌هاست که ضرورت احیاء بازنگری و توجه پژوهشگران را طلب می‌کند. با همه کوشش‌هایی که در سال‌های اخیر برای شناسایی و نشر این میراث مکتوب انجام گرفته اما هنوز نسخه‌های خطی فراوانی در گوشه و کشور و خارج از کشور به خصوص در هند و پاکستان و افغانستان و تاجیکستان و... وجود دارند که چشم انتظار پژوهشگران می‌باشند یکی از این نسخ خطی تحفه‌المظفریه تألیف احمد منشی رازی نوه بدایع‌نگار تهرانی است که به اجمال مورد نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ۱. تحفه‌المظفریه ۲. مظفرالدین شاه ۳. ناصرالدین

شاه ۴. اتابک ۵. نسخه‌های خطی

از این کتاب، نسخه‌ای به قلم خود نویسنده در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران موجود است که نشان می‌دهد نویسنده در آن تغییرات و دگرگونی‌هایی داده است. این تغییرات در سال ۱۳۰۴ هـ ق، مطابق با ۴۰ سالگی ناصرالدین شاه انجام گرفته است. از دیباچه‌ی نسخه چنین برمی‌آید که نویسنده در صدد بوده نام اثر خود را «بدیع‌التواریخ» یا «تاریخ بدیع» بنهد. از دیگر آثار احمد منشی رازی، مآثرالصدرا در فی مفاخر الاماره است در مورد اخلاق و خصوصیات افراد برجسته و مهم مملکتی.

تحفه‌المظفریه

کتابی است در جزئیات وقایع قتل ناصرالدین شاه قاجار و افتادن امور به دست صدراعظم وی «میرزا علی اصغرخان». بعد از این واقعه، جلوس مظفرالدین شاه، حوادث دوران وی، اخلاق و رفتارش که به امر صدراعظم فوق به رشته تحریر درآمده است. مؤلف که خود نایب وزیر وزارت خارجه بود، این اثر را به مظفرالدین شاه اهدا نموده است. مشخصات ظاهری آن ۹۵ برگ و هر برگ آن ۱۲ سطر و اندازه سطور آن ۱۶۰×۸۳ و قطع ۲۲۰×۱۴۰ است که با خط نستعلیق خوش نوشته شده است. نوع کاغذ آن فرنگی شکرکی است. تزئینات جلد آن مقوایی با روکش پارچه‌ای مخمل سبز، ضربی، مجدول دو ردیف بوته‌های ریشه‌ای در حاشیه، دارای ترنجی با نقش گل و بوته در وسط، عطف با جلد یکی است، اندرون جلد آستر کاغذی ابری الوان تزئینات متن مجدول به زر و مشکی و شنگرف است، سطور دو صفحه آغاز مزین به نقش گل و بوته مذهب، برگ ۴ دارای تصویری از مظفرالدین شاه همراه با بیتی در مدح وی و در پشت آن یک رباعی با مرکب قرمز و به صورت چلیپا، برگ‌های ۵ پ و ۶ دارای یک سرلوح و کتیبه مذهب با نقش گل و بوته به رنگ شنگرف و لاجورد و سبز و مشکی و دارای طلائاندازی دندان موشی بین السطور است، آغاز و پایان مطالب مزین به نقش گل و بوته مذهب و برگ ۴ از نسخه جداست. احمد منشی رازی نوه بدایع‌نگار، به نام ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۶۴-۱۳۱۳ در تاریخ این دودمان از آغاز تا ۱۲۷۱ ق و از ۱۲۷۳ و ۱۲۷۵ ق نیز در آن یاد شده است.

روش تاریخ‌نگاری تحفه‌المظفریه

آغاز نسخه با جمله بحمدالله والمنة بمدد اقبال شاهنشاه جمجاه سلطان مظفرالدین شاه... شروع می‌شود. این نسخه شامل حوادث سال‌های ۱۳۱۳ و

که مرآت الوقایع تا سال ۱۳۱۶ ه.ق. و یادداشت‌ها فقط از ۱۳۲۰ ه.ق. است آن هم تا چندماه به مشروطیت و مرگ مظفردالدین شاه، چند ماهی که مسیر ایران دگرگون شد. گویی روزگار نخواست برای شاهی چون مظفردالدین شاه که در هیچ کاری تمام نبود، تاریخی تمام و کمال به یادگاری گذارد.

شیوه تصحیح تحفه‌المظفریه

برای تصحیح نسخه خطی، نخستین کار، بررسی و گردآوری نسخه‌های خطی کتاب از کتابخانه‌های عربی و غربی است. وقتی نسخه‌های کتاب را به دست آوردیم، آن‌ها را بر پایه قدمت هر یک مرتب می‌کنیم. همیشه نسخه دست‌نویست مؤلف یا نزدیک‌ترین نسخه‌ها به آن به عنوان نسخه مادر برگزیده می‌شود و برای تصحیح و چاپ و انتشار، آن را اساس می‌گیریم.^۲ اما نسخه تحفه‌المظفریه تک نسخه است و با وجود تلاش بسیار، نسخه دیگری نظیر این نسخه نیافتیم. تحفه‌المظفریه از لحاظ نگارش و تاریخ‌نگاری مشابه مرآت الوقایع مظفری عبدالحسین خان سپهر می‌باشد. ابتدا مقدمه‌ای شامل زندگی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده، توضیحی در شیوه‌ی نگارش کتاب، توضیحاتی در مورد منابع مورد استفاده و مطالب برگرفته از این منابع بیان شده است. علاوه بر این، در مقدمه میزان تأکید نویسنده بر دیده‌ها و شنیده‌هایش و نیز میزان بهره‌گیری پژوهشگران از این کتاب، ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین موارد شماره‌گذاری صفحات کتاب، از سوی مصحح است. در این نسخه، شماره‌گذاری روی برگ‌های کتاب انجام گرفته است. به عنوان مثال: «۱۴ ر» نشان‌دهنده‌ی صفحه‌ی رویی برگ ۱۴ و «۱۴ پ» نشان‌دهنده‌ی صفحه‌ی پشتی این برگ است. برای تصحیح نسخه، از منابع فراوان بهره گرفته شده و متن به صورت روان و ساده برگردان شده است. نیز افتادگی‌ها و تحریفات کتاب، توضیح داده شده و اشعار و نقل‌قول‌ها و حوادث و اسامی جای‌ها و کسان، بازمینی و تطبیق داده شده است.

مظفردالدین شاه در آئینه تاریخ

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۷ ه.ق.، مظفردالدین میرزا پسر خود را به رسم معمول قاجاریه، به تبریز فرستاد تا راه و رسم سلطنت را بیاموزد و سال بعد او را رسماً ولیعهد اعلام نمود. پیش از آن شاه چند بار ولیعهد معین کرده بود و ولیعهد‌ها در کودکی درگذشته بودند.^۳ وی پس از نشست بر تخت سلطنت، بسیاری از افرادی را که در تبریز و هنگام ولیعهدی او، بدون حقوق و تنها به امید آتیه‌ای درخشان، گرد او آمده بودند، به پایتخت فراخواند و مناصب عمده‌ی دربار و مملکت را به ایشان سپرد. به این ترتیب بود که جماعتی گرسنه، که نزدیک به ۴۰ سال، به امید تحصیل مال و منال و جاه مقام، در انتظار نشسته بودند، به تهران آمدند و دست به غارت ملت و خزائن و نقایس ناصری زدند. دربار از افراد فرومایه‌ی اطراف ولیعهد سابق و شاه فعلی پر شد. مظفردالدین شاه ده سال بر ایران حکومت کرد. تاریخ دهساله‌ی سلطنت وی، امر و واقعه‌ی مهمی را نشان نمی‌دهد. اگر مشروطیت پیش نیامده بود، قطعاً کسی متوجه آمدن، بودن و رفتن او نمی‌شد. گویی مصداق واقعی این بیت بود که:
آمدن شدن تو اندرین عالم چیست؟ آمد مگسی پدید و ناپیدا شد^۴
در سال‌های حساس اواخر قرن نوزدهم و سال‌های پر آشوب دهه‌ی اول قرن بیستم و دسته‌بندی سیاسی اروپا، ظهور آلمان تازه‌نفس و رقابت با روس و



۱۳۱۴ است، یعنی از کشته شدن ناصرالدین شاه و آغاز سلطنت مظفردالدین شاه. تاریخی سنتی است که به قلم مورخی دولتی نوشته شده است. نسخه تحفه‌المظفریه تک‌نسخه‌ای از دوره مظفردالدین شاه است که مشابه مرآت الوقایع مظفری و افضل التواریخ افضل الملک می‌باشد. نثر کتاب منشیانه و متکلفانه و سبک نگارش حاکی از آن است که مؤلف بر ادبیات فارسی و عربی تسلط کامل داشته است. در فصل اول کتاب واقعه‌ی کشته شدن ناصرالدین شاه و برتخت نشستن مظفردالدین شاه را توضیح داده است و در فصل دوم کتاب، که اخلاق مظفری نام گرفته، در مورد اخلاق مظفردالدین شاه به شیوه سیاست‌نامه‌خواجه نظام الملک و اخلاق ناصری خواجه نصیر طوسی آداب صحیح ملک‌داری را از عهد انوشیروان تا دوران پس از اسلام بیان کرده و جمالتی از بزرگمهر حکیم آورده است.

ساختار، بافت، نوع و ترتیب عناوین، شبیه به تواریخ سنتی است. از واقعه‌یابی و واقع‌بینی، تحلیل و تعلیل حوادث و نتیجه‌گیری‌های تاریخی تهی است، هیچ خرده‌گیری بر نظام نمی‌کند. مؤلف تحفه‌المظفریه را به عنوان نیکوخدمتی و آرزوی دریافت پادشاه برای شاه قاجاری نوشته و مظفردالدین شاه را طبق معمول سایر مورخین ایرانی به عرش اعلی رسانده است. به امید آنکه شاه او را به خلعتی بنوازد. به دستور صدراعظم آن را به خط زیبای خوشنویسی نوشته و به شاه تقدیم کرده است. مؤلف کوشیده است که کلماتی ادبی، درباری به کاربرد و همه چیز را خوب و همه کس را راست و درست و همه دست اندرکاران را تافته جداافتاده معرفی کند. او خود یک شخصیت درباری آرام و مطیع و چاکر صفت و غلام پیشه در قبال قبله عالم و دستگاه حاکمه است. این نکته جالب توجه است که تواریخ مربوط به مظفردالدین شاه کلاً ناقص مانده است. افضل التواریخ غلامحسین افضل الملک فقط تا ۱۳۱۷ ه.ق. و منتخب التواریخ میرزا ابراهیم شیبانی صدیق الملک تا ۱۳۲۲ ه.ق. و سومین و چهارمین تاریخ عصر مظفری مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المتورخین عبدالحسین خان سپهر



انگلیس، تغییر و تعبیر سیاست رقابت آمیز آنان با یکدیگر، که به قرارداد ۱۹۰۷ انجامید، مظفردین شاه در ایران سلطنت می کرد.

مظفردین شاه هیچ گونه مبانی فکری و فرهنگی نداشت. این پادشاه از اول عمر، ضعیف الرأی، بی تمیز و کمال، متنفر از معاشرت عقلا و فضلا و اهل هنر بود. هر وزیری که از دربار برای پیشکاری تعیین می شد و ناصرالدین شاه محرمانه تأکید در راه رفتنش با او می کرد، مفید نبود و به دستگیری همین عملجات خاص، اسباب خرابی و عزل آن وزیر را به اقسام مختلف و اغلب اوقات به شورش خلق تبریز فراهم می آوردند. مظفردین شاه طبعاً حلیم و خوش نیت بود و مایل نبود که آزار او به کسی رسد. وقتی به تهران آمد، به زودی عامه تهرانیان دانستند که مظفردین شاه آدمی بی حال است و اتباعی که با خود آورده، همه گرسنه و طماع هستند و غرضی جز پر کردن جیب ندارند. مظفردین شاه به غایت پول دوست بود، در صورتی که پولی به دست او می آمد، و از پول نقدی که در منظر او بود، کمتر شنیده شد بذل و بخشش نماید؛ لیکن از دادن حواله به خزانه دولت به هر کس باک نداشت و گمان می کرد پول خزانه دولتی متعلق به او نیست و بدین جهت مقداری زیادی از جواهرات دولتی را بذل و بخشش نمود. مخصوصاً به سیدی که او را سید بحرینی می گفتند و به او معتقد بود. یکی از ضعف های مظفردین شاه این بود که هنگام تصمیم گیری درباره موضوعات مهم مملکتی تنها به استخاره متوسل می شد. استخاره را هم سید بحرینی انجام می داد. در چنین مواقعی مظفردین شاه دو زانو روبروی سید بحرینی می نشست و نیت می کرد و بعد منتظر بود ببیند نتیجه استخاره خوب است یا بد. البته نیت شاه این نبود که فلان کار شخصی را انجام دهد بلکه عزل و انتصاب حکام، رفتن به سفر فرنگ، خلعت دادن به رجال، زن گرفتن برای شاهزادگان و کارهایی که منافع اشخاص درباری در آن بود، به استخاره حواله می شد.

شخصیت مظفردین شاه، که سلطنت نسبتاً کوتاهش به سبب اعطای مشروطیت همیشه به یاد ماندنی خواهد بود، تفاوتی بسیار با شخصیت پدر و اسلافش داشت. وی که طبعی مهربان، جسمی نه چندان سالم و حالتی حتی مالیخولیایی داشت، از بی رحمی و خونریزی بیزار بود، نمی خواست با رد خواسته های دیگران بدنام گردد؛ فاقد ابتکار و اعتماد به نفس بود و بیش از آنکه موجب وخامت مستمر اوضاع حکومت ایران باشد، از این امر رنج می برد. مهم ترین تأثیری که سلطنت مظفردین شاه در ایران داشت، این بود که در سد محکم استبدادی که ناصرالدین شاه به دور ایران کشیده بود و ایرانیان را از دنیای متمدن جدا ساخته بود، رخنه ای پدیدار گشت و مردم توانستند به کشورهای مترقی راه یابند و فرزندان خود را برای تحصیل به ممالک اروپا بفرستند. و نیز زنجیر اسارتی که به گردن ملت ایران استوار بود، تا حدی سست شد و مردم توانستند بیش از پیش به جراید و مجلات خارجی دست یابند و با هم از اوضاع کشور گفتگو کنند.

کلام آخر

همان گونه که ذکر شد تحفه المظفریه از نظر سبک نگارش و محتوی ادامه تاریخ نگار سنتی است. با آنکه در این دوره نهضت ترجمه عصر ناصری و ساده نگاری و روزنامه نویسی و تاریخ نگاری غربی توجه به تکاپوهای سیاسی

مردم و تاریخ نگاری جدید متأثر از تحولات سیاسی اروپا که به تعلیل حوادث نظر دارد در متن جامعه رسوخ یافته بود، اما هیچ تأثیر و رد پای از این تحولات جدید در این کتاب مشاهده نمی شود.

پی نوشت:

۱. نویسنده کتاب، در ص ۶۰ از جد خود محمدابراهیم تهرانی اشعاری را نقل می کند. با این توصیف به نظر می رسد از دودمان اهل قلم و فرهنگ بودند.
۲. ضیف، شوقی؛ پژوهش ادبی (سرشت ها، شیوه ها، متن ها، منابع)، ترجمه عبدالله شریفی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱.
۳. سپهر، عبدالحسین خان؛ ولعده های ناصرالدین شاه مجله یادگار، سال سوم، شماره دهم، ص ۵۴.
۴. سپهر، عبدالحسین خان؛ مرآت الوقایع مظفری، تصحیح و توضیحات و مقدمه: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۹.
۵. نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان؛ خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، ۱۲۴۸ الی ۱۲۳۴ق، به کوشش معصومه نظام السلطنه مافی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۲۳۳.
۶. تهرانی کاتوزیان، محمدعلی؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات انتشار، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۷۴.
۷. افراسیابی، بهرام؛ دربار مظفردین شاه، تهران، انتشارات حمید، ۱۳۷۷، ص ۴۳.
۸. براون، ادوراد؛ انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۱، چاپ اول، ص ۱۰۳.
۹. ملک زاده، مهدی؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۱۱۲.